

- ۳- وزارت امور خارجه با تلکس محرمانه از رؤسای سفارت‌های ایران در خارجه خواست که از سفیران عرب ملاقات کنند و جانبداری ایران را از «حقوق حقه» اعراب به اطلاعشان برسانند. پاسخ آنان، بدون ابراز تشکر یا مسرت، این بود که به وزارت خارجه خود اطلاع می‌دهند.
- ۴- وزارت امور خارجه ابتدا (زمان رضا شاه تا چند سال بعد) یک معاون، و سپس دو معاون سیاسی و اداری داشت. اردشیر زاهدی چندین معاون دیگر (فرهنگی، پارلمانی، امور بین‌المللی و...) یک «قائم‌مقام وزیر» میان آنان و خود قرارداد که ابتدا امیر خسرو افشار و سپس احمد میرفندرسکی عهده دار این سمت شدند. این مقام در ۱۹۷۳ حذف شد.
- ۵- تاریخ ۲۷۰۰ ساله ایران از آغاز پادشاهی مادها تا کنون با سنوات «قبل از میلاد»، «میلادی، هجری (قمری)»، شمسی نگارش یافته است. دست‌آوردان تاریخ علاقه مند به گاهشماری واحدی از آغاز مادها می‌باشند. در گاهشماری شاهنشاهی، مادها منظور نشده است. نک: «لزوم یک گاهشماری سراسری»، ماهنامه پر، (واشنگتن) فروردین ۱۳۷۴.
- ۶- گذشته از ملکه بریتانیا و رئیس جمهوری فرانسه چندین رئیس کشور به جای خود دیگری را فرستادند.
- ۷- سفارشها مستقیماً از دربار داده می‌شد و چندین «واسطه» در محل نظارت داشتند (مثلاً حسن متین برای ارسال غذاها از طرف ماکسیم، که نشان لژیون دنور گرفت)، از دریافت ۵٪ (کمسیون) اطلاعی در دست نیست.
- ۸- از زمان کندی از این قبیل شایعات همواره درباره دموکرات‌ها شنیده می‌شد.
- ۹- یک خبرنگار آلمانی، احتمالاً از جانب اشپیگل (Spiegel) این مصاحبه را در اواخر ژانویه ۱۹۷۸ به عمل آورد.
- ۱۰- نک: اردشیر زاهدی: اشاراتی به رازهای ناگفته... عنوان انگلیسی: *Untold Secrets*، به صورت آلبوم با تصاویر فراوان و رازهای ناگفته اندک، ۲۰۰ برگ به فارسی و ۵۶ برگ انگلیسی، ناشر: سردبیر و مدیر مجله راه زندگی (لس آنجلس).
- ۱۱- صحنه سازی زانندی مانند قرارداد ایران و گابن برای تحویل اورانیوم که همان هنگام ناگهان اطلاع دادند که محموله آماده است، بهایش را بپردازید و ببرید!... تهران حتی به تلکس سفارت پاسخ نداد!
- ۱۲- در تنها دیداری که در باریس با شاپور بختیار دست داد گفت: برنامه ام این بود که به شورشها و اعتصابات خاتمه داده و آرامش را برقرار کنم، سپس در دیداری با شاه در خارجه استعفاى او را به نفع ولیعهد بگیرم. شاید همین «برنامه» موجب پشتیبانی‌هایی که دکتر نهاوندی اشاره می‌کند گردیده بود.

عزت السادات گوشه گیر

Farnoosh Moshiri,
The Bathhouse
 Black Heron Press - Seattle,
 Washington, 2001

«حمام»

نوشته فرنوش مشیری

خاطره نویسی زنان خاطرات زندان زنان

از گذار تبدیل خاطرات شفاهی زنان به خاطرات مکتوب، چندان زمانی نمی‌گذرد. بسیاری از خاطره نویسان زن، به دلیل موانع اجتماعی، یا خود، آثارشان را سوزانده و

به طریقی از بین برده اند و یا این که گاه نوشتارشان به نوعی به سرقت رفته و با تغییر و تبدیل، صدایی مذکر به آن داده شده است.

خاطره نویسی زنان ایرانی با آمیزه ای از حس زندانی بودن توأم است. تاج السلطنه خواهر ناصرالدین شاه قاجار، بی آن که تجربه ای ملموس از فضای خارج از حرمسرا را داشته باشد، دنیای خفقان آلود محیط پیرامون خود را عریان کرده از آن انتقاد می کند.

فروغ فرخزاد اما، جوان و عصیانگر پا را از زندان خانه و تنگنای جامعه ای که در آن زندگی می کرده فراتر گذاشته و برای کشف دنیای وسیعتر به اروپا سفر می کند. و حاصل پوشها و پژوهشهایش، خاطرات سفر اروپای اوست.

اشرف دهقان با نوشتن کتاب حماسه مقاومت زندانهای رژیم محمد رضاشاه را ترسیم می کند. و مرضیه احمدی اسکویی، بانگاهی ایدئولوژیک، نارساییهای زندان بزرگتری را به نقد و بررسی می کشاند.

از سالهای آغازین انقلاب اسلامی تا امروز، خاطره نویسی بُعد بسیار وسیعی را به ویژه در زنان در بر داشته است. بسیاری از نوشته های مبتنی بر خاطرات انقلاب، جنگ، بعد از جنگ، مهاجرت و زندان، هنوز پنهان نگاهداشته شده و یا در جریان حملات شکارچیان حکومت و یا وحشتهای ناشی از استنطاقهای مرگ زای جمعی، به خاکستر تبدیل شده اند!

اما موج خاطره نویسی درباره زندانهای جمهوری اسلامی - به ویژه زندان زنان در ۱۵ ساله اخیر - آغاز ادبیاتی ست نوین، پویا و شگفت انگیز در تاریخ نوزاد ادبیات زنان ایران. ادبیاتی ست که آفرینندگان آن، آن را تا مغز استخوان تجربه کرده اند. ادبیات کنکاش و کاوش است. طرح پرسشهایی ست در ریشه و ذات وجود انسان، تجربه ذره ذره سلولی، ارتباط ذره ذره ها با روح زمان، مکان، هستی مرئی و نامرئی، و برای پیدا کردن مفاصلی برای پیوند ارواح گسیخته و متلاشی شده... برای یافتن هویتی منسجم و محکم...

در چند ساله اخیر کتابهایی چند از خاطرات زنان زندانی در ایران، درباره زندانهای ایران به چاپ رسیده است.^۱ و فیلمهایی کوتاه و بلند نیز ساخته شده است.^۲ کتابهایی که تاکنون به چاپ رسیده است، اکثراً روایات هولناکی ست که به صورتی عریان و به شکلی وقایع نگارانه بیان شده است. همچون بعضی فرو خورده به ناگهان ترکیده است.

نوشته ها فوران سادگی، صداقت و بیان رخدادحوادث است. و به همین خاطر از وجوه گوناگونی، شباهت بسیاری به هم دارند. تنها، کتاب «خاطرات زندان» شهرنوش پارسی پور فراتر از روایت رفته و به تحلیل و کند و کاو در ریشه یابی علل پیدایش، عمق رخداد، و

اثر رخداد بر روح فرد و جمع، پرداخته است.

ادبیات زندان، ادبیاتی نوزاد است. این ادبیات تنها منحصر به زندانی در بطن زندانی دیگر نمی شود، بلکه روایاتی خواهد بود از زندانیان نوعی دیگر، در زندانی دیگر.

سیر شکنجه بار زندگی زنانی است که در ورای دیوارها، برای زیستن، برای رسیدن به نیازهای اولیه زندگی، برای جان بخشیدن به بازماندگان اعدام شدگان، و برای دیدار و ملاقات زندانیانشان، جدالی سهمگین با موقعیت داشته اند.

اسرار پنهان زندانهای جمهوری اسلامی، همچون بازداشتگاههای هیتلری، قرنهای دستمایه کاوش پژوهشگران و هنرمندانی خواهد بود، که پیوسته سعی در زنده نگه داشتن وجدان بشری را دارند.

ادبیات مقاومت در دوره نازیها، و مشهورترینشان «خاطرات آن فرانک»، بیش از نیم قرن است که در آستانه پیدایش هر دوره نوینی از جنبش فکری و فرهنگی، و یا احاطه جنگ، بی عدالتی و فاشیسم، توسط هنرمندان به شیوه های گوناگون مطرح و بازآفرینی شده است. و هماهنگ با ویژگیهای روح زمان، تازگی خود را حفظ کرده است.

انسان فراموشکار، تنها با پروراندن روانش از طریق هنر و ادبیات، و تازه کردن خاطرات پر پیچ و خم تاریخی است که می تواند آنچه را که بر او گذشته است، به یاد بیاورد، و از رخداد حوادثی خونبار جلوگیری به عمل بیاورد. و بدین گونه است که بیان هر خاطره، زایش ستاره درخشانی خواهد بود در پهنه آسمانی تیره و تار...

فرنوش مشیری هرچند خود عملاً زندان را تجربه نکرده است، اما این تجربه را، یعنی تجربه زن بودن در زندانهای جمهوری اسلامی را، از یک زبان و فرهنگ به زبان و فرهنگی دیگر اهدا کرده است.

آنائیس نین (Anais Nin)^۴ در یکی از خاطرات دوران نوجوانیش می نویسد: وقتی انسان یک زبان می داند، یک نفر است. اگر دو زبان بداند، دو نفر می شود. و هرچه بیشتر زبان بداند، می تواند انسان بی نهایتی بشود.

نویسندگانی که به زبانهای متعدد سخن می گویند و یا می نویسند، تنوع و تعدد انسان دیگر شدن را با نگاهی زیباشناسانه تجربه کرده و آن را به دیگران منتقل می کنند.^۵ این تجربه، یعنی ورود به حوزه «دیگری» نه فقط نتیجه اش تحول و باروری خود است، بلکه اثری نامرئی در تحول و باروری «دیگری» نیز به همراه دارد.

«حمام»^۶ عنوان دومین کتاب فرنوش مشیری به زبان انگلیسی است که از ابتدا خواننده را به درون روح ساده و پر اضطراب راوی، یک دختر ۱۷ ساله دعوت می کند که به همراه

برادر و همسر برادرش دستگیر می شود و هیچ جرمی ندارد جز داشتن برادری که عضو یکی از گروههای سیاسی ست و نوشتن سه دفترچه خاطرات درباره آرمانهای انسانگرایانه اش، که در آینده پزشک بشود و با تبدیل منزلشان به یک درمانگاه، بتواند به مردم یاری برساند.

مشیری آگاهانه این نوول را برای خواننده غیر ایرانی نوشته است. و اکثر عناصر به کار برده شده در داستان، در جهت برانگیختن روح خواننده ای ست، که دانش و تجربه چندانی درباره آنچه که در گوشه دیگری از جهان رخ می دهد را ندارد. مشیری می خواهد با تفهیم تجربه، در وجود او رخنه کند. تکانش بدهد و در نهایت ارتقایش بدهد.

هرچند آغاز کتاب شباهتی به آغاز کتاب «حقیقت ساده»^۷ اثر م.رها دارد، اما مشیری در همان آغاز با نشان دادن چند تصویر کوتاه همچون - فضا سازی زمان و مکان در دوره حکومت نظامی، روشن کردن شمع در تاریکی، عبور زن و مرد همسایه از پشت شیشه پنجره، یادآوری خاطرات دختر با آرش پسر همسایه، مرگ پدر و مادرش در سانحه رانندگی و حضور معنوی دادن به یادگار پدرش یعنی ساعت شب نمای کامپیوتری، - عاطفه خواننده را نسبت به دنیای تنهای این دختر جوان بر می انگیزاند.

آغاز نوول با آغاز عادت ماهانه دختر شروع می شود. آغازی سمبولیک که در طول کتاب نه فقط ریزش مداوم خون، در پیچ و تابها و کشاکش شکنجه های ناگهانی و غیر منتظره قطع نمی شود، بلکه دختر پی می برد که در چنین فضایی پیدا کردن حتی یک نوار بهداشتی یا قدری پنبه، برای جلوگیری از ریزش خون تلاشی ست همچون پیدا کردن سوزنی در انبار علوفه.

ریزش خون در طول نوول تا پایان، نرم نرمک ادامه دارد. و این خونریزی با تغییر شکل ماه در آسمان پیوند ناگسستگی خود را حفظ می کند.

باورهای بدوی - تخیلی و سنتی مردم در پدیدار شدن تصویر خمینی در ماه که به طور متوالی به شکلهای گوناگون در روال داستان پیگیری می شود، از سوی زندانبانان به مکانیزمی طراحی شده تبدیل می شود که بعد از شکنجه های در پی و دریدن روح زندانی، به راحتی می توانند این باورهای پرورانه شده را در تار و پود ذهن فرد شکنجه شده تزریق کنند.

اما این سیر تحولاتی یا تنزلاتی یعنی استحاله شخصیت های فرعی کتاب مثل زهره (که کودکی شیرخواره دارد) و فریال (که حامله است) به خیل توأبین، قدری سریع رخ می دهد. آیا شتاب زمان و توالی ضربه های مکرر بی انقطاع روحی و جسمی ست که

شخصیتها را و او می دارد که بین مرگ و زنده ماندن یکی را انتخاب کنند؟ آیا در گذار انتخاب برای زنده ماندن، در آن لحظات باریک و حساس چه عواملی موثر بوده است؟ آیا اهمیت در زنده ماندن خود است یا جان بخشیدن به نوزادی که ادامه زیستن کسی ست که مرگ بر او تحمیل شده است؟! یا چیزی دیگر؟

شاید از دیدگاه راوی و تحلیلی که دختر جوان در ذهنش دارد، توبه آن دو بسیار منطقی باشد، اما شیوه پیوستن به جرگه توأبین با استفاده مکرر از دیدن چهره خمینی در ماه قدری زیاد تکرار می شود و از بار اثر واژگانی و تصویری کار می کاهد.

زیبایی کار مشیری در این ست که هرگز در قضاوتها و درگیریهای درونی راوی دخالت نمی کند. تمامی کتاب حقیقه از زبان و ذهن دختر جوان می تراود. و تمامی حسها، عواطف، دلهره ها، اضطرابات و افسردگیهای یک دختر جوان را با ظرافت، دقت و مهارت نشان می دهد.

زمانی که دختر جوان چشمهایش را باز می کند و کودک شیر خواره را در کنار خود می بیند، به طور غریزی، برای اولین بار پستانش را به دهان بچه گرسنه می گذارد، و زمانی که به آشپزخانه می رود تا برای کودک شیر پیدا کند، به معماری زندان پی می برد که زندان در گذشته یک حمام عمومی بوده است و حالا در حوض خالی آن شاهد شلاق خوردن زنان و دختران جوان می شود. و بعد که از لابلای در نیمه باز، زنی را می بیند که با زنبیلی از پشت در عبور می کند، در حسی وهم آلود و متناقض به این می اندیشد که می تواند در را باز کند و با این کودک شیر خواره در آغوشش بگیرد، اما اقدام به فرار نمی کند. چرا که پشت در، زندانی بزرگتر است به نوعی دیگر.

مشیری بدون آن که تعمدی داشته باشد، از عناصر زنانه استفاده کرده و فضاهایی را خلق می کند که خواننده با راوی از پشت شیشه صداگیری می خواهد ارتباط برقرار کند. وی زنانگی را در تمامی مراحل زندان، متناوباً در رویارویی با خشونت و تنزل و حشیانه ارزشها به محک تجربه می گذارد. از هتاکی کلامی گرفته تا هتاکی عملی همچون تراشیدن موی سر زنان و دختران.

یک روز همه دختران موبلند طاس شدند. آنها موهایمان را از ته تراشیدند... از دست دادن

موهایمان بدتر از عربانی مان بود.^۵

این شکنجه ها، تدریجاً به سنگسار اجباری زندانیان دیگر، و سپس به پاره کردن پرده باکرگی دختران قبل از اعدام توسط زندانبانان زن منتهی می شود.

آنها بازوهایم را محکم به پایین فشار دادند و من صدای فریادی شنیدم، نه فریاد خودم را، بلکه

فریاد یکی از دختران را.... چون من مطمئنم که سکوت کرده بودم. وقتی که چیزی در من فرورفت و پاره ام کرد.. تمام آنچه که من در عمق تاریکی حس می کردم این بود که خواهر سلطانی با انگشت نشانه اش درونم را سوراخ کرد.^۱

رویاری راوی با برادرش حمید برای آخرین بار، فضا سازی صحنه دیدار، کوتاهی جملات، سکوت‌های پیاپی، تکرار جملات کوتاه، یادآوری خاطرات پراکنده گذشته، و سنگینی رابطه عاطفی، از تکان دهنده ترین و نمایشی ترین قسمت‌های کتاب است. پس از آن، کشمکش و مکالمه دختر با خودش شروع می شود. دوباره شدنش، خالی شدنش از زهر اعتقادی، و خشم و بی‌اعتنایی اش، و بعد سکوت.... و سرانجام ته نشین شدنش در یک آرامش عجیب!

.... احساس آرامش کردم. یک آرامش عجیب که هرگز آن را قبلاً تجربه نکرده بودم.^۱

دختر در تداوم شکنجه و درد پارگی اش با خود حرف می زند. با رویای پدر، مادر و برادرش لحظات سخت را بر خود هموار می کند. با رویای طبیعت، با صدای شب، بوی شب و با قطرات شبنم ارتباط برقرار می کند. با چشم‌های بسته از پشت چشم بند، ایستاده روی خاک با ستارگانی که فقط حضورشان را در بالای سرش حس می کند، با صدایی درونی سخن می گوید و مقاومت و ایستادگی را از درختها می آموزد.

بیلیون‌ها ستاره در بالای سر ما، به ما نگاه می کردند، به ما چشمک می زدند، به ما می گفتند که تمام شب با چشم‌های بسته، بی حرکت روی پای خود ایستادن شکنجه نیست. این چیزی است که درختها در تمام طول زندگیشان انجام می دهند.^{۱۱}

دختر که در ابتدای کتاب رویاری خود را با علی پسر برادر جمالی به مثابه دو حیوان ترسیم می کند، در پایان به سرنوشت رقت انگیز او می اندیشد. که او نیز یک نوع زندانی دیگر است. کودکی «بابا» است در سیستم‌های مکرری که پروراندن زندانی، حیات اقتدار آن سیستم‌ها را تثبیت می کند.

ما مثل دو حیوان به هم خیره شدیم. یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر. حیوان کوچکتر به شدت می ترسید. و حیوان قویتر، زخمی بود اما نمی خواست حمله کند. نمی خواست به او آزاری برساند. آنها هرگز نمی توانستند به همدیگر اعتماد کنند.^{۱۲}

دختر وقتی آزاد می شود، مثل خانم مرادی که خون اعدام شدگان را هر روزه از پای دیوار می شوید، که روحش همراه با پسرش در زندان دفن شده است، آزادی برایش از معنا خالی می شود. آزادی یعنی چه؟ چه معنایی دارد، وقتی که ماده اصلی وجودش همچون سایرین، اعدام شده و از دست رفته است!؟

چه تفاوت عظیمی ست بین دختر ۱۷ ساله قبل و بعد از زندان. در جریان زندگی، انسان چه دگر دسی سریعی پیدا می کند. در زمانی بسیار کوتاه، گاه به کوتاهی یک روز، یا یک هفته، یا یک ماه... آیا حقیقه دختر جوان چه می تواند به خواهرش بگوید، وقتی که خواهرش از او می پرسد: که در زندان چه گذشت؟

خواننده ایرانی کتاب که فارسی و انگلیسی می داند، به دو فرد تقسیم می شود و کتاب را به دو شیوه تحلیل می کند. یک بار از دیدگاه یک ایرانی مهاجر با تمام تجربیات مشابهی که در زندگی گذشته اش داشته است، و یک بار دیگر از دیدگاه یک امریکایی یا یک غیر ایرانی. کسی که روح جامعه میزبان را می شناسد و می تواند از نگاه یک مرد کتاب را بخواند یا یک زن با تمام خطوط خاکستری اش.... این کتاب به خوبی می تواند در فهرست کتابهای درسی ادبیات معاصر خاور میانه قرار بگیرد.

شیکاگو، سال ۲۰۰۳

پانویس:

- ۱- از مهمترین کتابهای به چاپ رسیده در این زمینه، می توان کتاب نخلهای سوخته که سفرنامه، خاطره نامه ای ست از مهرانگیز کار درباره مناطق جنگزده و محروم ایران و همچنین چند کشور اروپایی و امریکای شمالی، نام برد.
- نخلهای سوخته: گذری در دامان زاگرس تا کرانه های خلیج فارس، مهرانگیز کار، تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۹.
- ۲- از کتابهای چاپ شده در این زمینه می توان به کتابهای زیر رجوع کرد:
الف- حقیقت ساده، از م.رها، انتشار: به همت تشکل مستقل دموکراتیک زنان ایران در هانور، پائیز ۱۳۷۱، چاپ اول، تیراژ ۱۰۰۰.
- ب- خاطرات زندان، شهرنوش پارسا پور، نشر باران، چاپ اول، ۱۹۹۶، سوند.
- پ- و در این جا دختران نمی میرند، شهرزاد، انتشارات خاوران، پاریس، چاپ دوم، ۱۳۷۷، تیراژ ۱۰۰۰.
- ت- کتاب زندان، جلد اول، به ویراستاری ناصر مهاجر، چاپ اول، ۱۳۷۷، تیراژ ۱۵۰۰.
- ث- خوب نگاه کنید راستکی ست (گزارش زندان)، پروانه علیزاده.
- ج- زندان زیر بوته لاله عباسی، نسرين پرواز، ۱۹۹۵، انتشارات نسیم.
- ۳- رجوع کنید به فیلم بلند «زندان زنان» به کارگردانی منیژه حکمت. این فیلم در ایران ساخته شده. ویکی از پر بیننده ترین فیلمهای یک سال گذشته بوده است. این فیلم در جشنواره بین المللی فیلم شیکاگو در اکتبر سال ۲۰۰۲ به نمایش درآمد.
- ۴- نویسنده و هنرمندی که در اسپانیا به دنیا آمد. کودکی اش را در فرانسه گذراند و در نوجوانی به نیویورک مهاجرت کرد. ۱۵ جلد کتاب خاطرات او، از ارزش ویژه ای در خاطره نویسی زنان برخوردارند.
- ۵- این تجربه به شیوه درخشان و خلاقیتی در آثار فرناندو پسون، شاعر و نویسنده پرتغالی خود را نشان می دهد.

- ۶- این کتاب جایزه Black Heron press را به خاطر محتوای اجتماعی آن دریافت کرده است. از کتابهای دیگر مشیری می توان *At the wall of the Almighty* را نام برد.
- ۷- مشیری کتاب خود را همچنین به م. رها تقدیم کرده است.
- ۸- «حمام»، ص ۱۳۶.
- ۹- همان، ص ۱۷۶.
- ۱۰- همان، ص ۱۲۸.
- ۱۱- همان، ص ۱۰۵.
- ۱۲- همان، ص ۵۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی